

# آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۴۹ آذر ۱۳۹۷

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان



**مراسم یکصدمین سالروز تولد فریدون ابراهیمی بر گزار شد**  
سوم آذر ماه ۱۳۹۷ (۲۴ نوامبر ۲۰۱۸) مراسم بزرگداشتی به مناسبت صدمین سالروز تولد شهید فریدون ابراهیمی در سالن مرکز بین المللی مطبوعات آذربایجان در شهر باکو با حضور گروهی از اعضاء و هواداران فرقه دمکرات آذربایجان، تعدادی از اعضاء جمعیت مهاجرین ایرانی مقیم جمهوری آذربایجان و ادامه درص ۸

**اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان به مناسبت هفتاد و سومین سالگرد ۲۱ آذر و تشکیل حکومت ملی آذربایجان**

**هموطنان گرامی!**

۷۳ سال قبل در چنین روزی جنبش خودمختاری آذربایجان که با انتشار بیانیه ۱۲ شهریور آغاز گردیده بود، به پیروزی رسید و حکومت ملی و خود مختار آذربایجان با حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، تشکیل گردید.  
این حوادث چهار سال پس از آن روی می داد که رضا خان دیکتاتور به علت گرایش به حکومت فاشیستی هیتلر، از اریکه قدرت به زیر کشیده شد و شاه جوان بر تخت سلطنت نشاند. این تغییر در راس حاکمیت باعث تحولی در ترکیب طبقاتی حاکم بر جامعه ایران نگردید ولی تا هنگامی که شاه جوان به تواند به کمک آمریکا و انگلیس دیکتاتوری طبقات حاکم را مجددا بر قرار کند، باعث ضعف حکومت مرکزی گردید. از سویی درب زندان ها گشوده شد، زندانیان دوره سیاه رضا شاهی آزاد گردیدند، آزادی و دمکراسی نسبی گسترش یافت، احزاب و سازمان های مترقی و ملی تاسیس گردیده و به سرعت فعالیت خود را سازماندهی کردند.  
ادامه درص ۲



**بوتون تشکیلاتچیلارا و ایشتیراکچیلارا ابراهیمیلر نسلینین تشکورو نو بیلدیریریم**  
ادامه درص ۹

**جهان بینی فرقه دمکرات آذربایجان دکتر محمد حسین یحیایی**



فرقه دمکرات آذربایجان ضرورت تاریخ، شرایط اجتماعی و اقتصادی آن دوره و خواست توده های زحمتکش و تهیدست مردم آذربایجان بود که با جهان بینی خاص و مشخصی مجهز شده بود و به چگونگی زندگی خود و تعامل با دیگران برای رسیدن به اهداف انسانی و ارزش های جهانشمول بشری با کاربرد علم و سیاست باور داشت. جنبش ۲۱ آذر و تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان از رخداد های مهم و تاثیر گذار در تاریخ معاصر است که تا کنون همه زوایای آن بویژه اهداف آن مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته است.  
ادامه درص ۴

شده ای از سیاست عالم ص ۱۰

اصلاحات چه ها و اصول آزادی ص ۱۲

بیشه وری از زبان و قلم خودش ص ۱۴

آرخیودن تانیلان " ۲۱ آذر " مدالی ص ۲۰



**رویداد تاریخی ۱۶ آذر، روز دانشجو گرامی باد!**  
ادامه درص ۶

**جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!**

خود را نسبت به برنامه عمل پیشنهادی در بیانیه 12 شهریور اعلام کردند.

«انجمن آذربایجان» و «شورای متحده تشکل های کارگری آذربایجان» که رهبری آن با اعضای حزب توده ایران بود به فرقه دمکرات آذربایجان پیوستند. سازمان ایالتی حزب توده ایران پس از برگزاری کنفرانس ایالتی با شصت هزار عضو و کادر آزموده، الحاق خود را به فرقه دمکرات آذربایجان اعلام نمود.

متعاقباً بیانیه 12 شهریور در اولین کنگره فرقه دمکرات آذربایجان، در تاریخ 10 تا 15 مهرماه مورد تأیید قرار گرفت و مقدمات تشکیل کنگره نمایندگان منتخب خلق آذربایجان فراهم گردید. کنگره خلق آذربایجان با شرکت 650 نفر در 29 آبان برگزار شد و بیانیه 12 شهریور را تصویب کرد. کنگره خلق در اول آذرماه دستور انتخابات نمایندگان مجلس ایالتی را در 12 آذرماه را به تصویب رسانید. همین کنگره نام مجلس ایالتی را به مجلس ملی تغییر داد.

بدین ترتیب 101 نفر نمایندگان خلق آذربایجان برای مجلس ملی آذربایجان انتخاب شدند. مجلس ملی در اولین اجلاس خود، سید جعفر پیشه‌وری را به عنوان نخست وزیر حکومت ملی تعیین نمود و به کابینه پیشنهادی او رای اعتماد داد.

بلافاصله اصلاحات عمیق عادلانه و دمکراتیک در همه عرصه های اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی آغاز گردید و مورد استقبال وسیع خلق آذربایجان قرار گرفت. زبان ترکی آذربایجانی نیز در کنار زبان فارسی رسمیت یافت. این اصلاحات دمکراتیک آنچنان تغییرات مثبتی طی یک سال در آذربایجان ایجاد کرد که از دیدگاه بسیاری از ناظران داخلی و خارجی از اصلاحات 20 ساله دوره رضاخان بیشتر بود.

ولی هر چقدرکه دامنه و تنوع این اصلاحات بیشتر می شد، خشم و غضب حکومت مرکزی و فنودال ها و روحانیت مرتجع بیشتر اوج می گرفت و سیطره خود بر خلق های ایران را بیشتر در معرض خطر می دیدند. نهایتاً با تغییر اوضاع جهان و منطقه و آغاز جنگ سرد و توازن جدید نیروها، ارتش شاهنشاهی به همراهی تفنگ داران فنودال های مرتجع آذربایجان و تحت حمایت نیروهای مسلح آمریکا به فرماندهی ژنرال شوارتسکف آمریکایی تحت نام "نجات آذربایجان" به

و از سویی دیگر مسئولین رده بالای کشوری و لشکری و فنودالها و خان ها و مالکین بزرگ به شکل افسار گسیخته ای ظلم و ستم بر مردم و خلق های زحمتکش ایران و غارت دسترنج آنها را افزایش دادند. در نقاط گوناگون کشور، مبارزات دهقانی و کارگری نیز اوج می گرفت و پیشرفت های چشم گیری داشت.

با توجه به شرکت موثر خلق آذربایجان در انقلاب مشروطه و سپس در جنبش شیخ محمد خیابانی و نیز سابقه مبارزاتی بسیاری از افرادی که از آن دوران ها باقی مانده بودند، جنبش های کارگری و دهقانی در آذربایجان نسبت به دیگر نقاط کشور وسعت و سازماندهی بیشتری یافته بود. به طوری که بزرگترین سازمان ایالتی حزب توده ایران طی چهار سال در آذربایجان تشکیل شده بود و یکی از بزرگترین اتحادیه های تشکل های کارگری ایران در آذربایجان شکل گرفته بود. علاوه بر این، «انجمن آذربایجان» بسیاری از روشنفکران و شخصیت های آزادیخواه و مترقی و با سابقه انقلابی را گرد هم آورده بود.

در چنین شرایطی، سید جعفر پیشه‌وری و یارانش با در نظر گرفتن خواست های وسیعترین اقشار و طبقات تحقیر شده و ستمدیده آذربایجان، اعم از دهقانان، کارگران و روشنفکران و ملیون و زنان و جوانان، فرقه دمکرات آذربایجان را تاسیس نمودند و برنامه عمل پیشنهادی خود را طی بیانیه 12 شهریور منتشر کردند.

بیانیه 12 شهریور به طور خلاصه خواستار خودمختاری خلق آذربایجان در اداره امور محلی خود از طریق اجرای اصول قانون اساسی مشروطه در مورد تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی در چارچوب استقلال و تمامیت ارضی ایران شده بود. همچنین در پایان بیانیه تصریح شده که هدف فرقه دمکرات آذربایجان، انجام آن چنان اصلاحات ملی و مترقی و عادلانه در چارچوب ایران است که موفقیت آن الگویی برای خلق های ایران گردد.

بیانیه 12 شهریور مورد استقبال شورانگیز خلق آذربایجان قرار گرفت، اهالی مناطق و شهرهای گوناگون آذربایجان طی متینگ ها و مراجعات خود به فرقه دمکرات، مراتب پشتیبانی

شهرهای آذربایجان یورش آورده و دریایی از خون به راه انداختند. دهها هزار نفر از مردان و زنان آذربایجانی کشته و زخمی و اسیر و متواری گشتند.

هم میهنان گرامی!

حدود 40 سال از انقلاب عظیم 22 بهمن و پایان رژیم دیکتاتوری ستم شاهی می گذرد. انقلابی که طی آن همه خلق های ساکن ایران، اقشار و طبقات زحمتکش و از آن جمله خلق آذربایجان دست به دست هم داده و دوران رژیم های سلطنتی در ایران پایان یافت. جمهوری اسلامی با محوریت ولایت فقیه تشکیل گردید. ولی در ترکیب طبقاتی حاکمیت بر آمده از انقلاب، نیروهایی که با پیشرفت انقلاب به سوی هدف های دمکراتیک مخالف بودند، دست بالا را گرفتند. همین نیروهای ارتجاعی تدریجا و با سو استفاده از جنگ تحمیلی عراق به ایران و مداخلات آمریکا و طرح کودتا و پیدایش شیوه های تروریستی، همه اهرم های قدرت را قبضه کردند.

بدین ترتیب در لحظه حاضر حاکمیتی که طی چهل سال در پوشش ولایت فقیه همه دستاوردهای آن انقلاب عظیم و شکوهمند را یک به یک و تدریجا نابود کرده، تبدیل به کارگزار مجتمع های نظامی - اقتصادی عظیمی گشته که از غارت ثروت های مملکت و هست و نیست خلق های زحمتکش ایران سیر نمی شوند. فساد ساختاری رژیم ولایت فقیه، مصادره دسترنج زحمتکشان و سرکوب وحشیانه کارگران، معلمان، زنان و دانشجویان معترض، حد و مرز ندارد.

در عرصه سیاست خارجی، بویژه در دوران دونالد ترامپ که سیاست امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا بر تقویت بیش از پیش نیروهای راستگرا و شوینیبست و نیز گسترش درگیری های نیروهای مذهبی و نژادی در کشورهای گوناگون جهان و به ویژه در منطقه خاورمیانه قرار گرفته، روش های ماجراجویانه رژیم ولایت فقیه نیز بیش از گذشته آب در آسیاب سیاست های جنایتکارانه امپریالیسم می ریزد.

فعالان و مبارزان آذربایجانی

فرقه دمکرات آذربایجان از همان ابتدای جنبش خود مختاری برای اداره امور محلی، فعالیت خود را بر مبنای حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران بنیاد نهاد. طی یک صد سال اخیر، فارغ از اینکه چه افرادی و با چه منصوبیت قومی و طایفه ای کنترل حکومت مرکزی را در اختیار داشته اند، اقشار و طبقات زحمتکش خلق های ایران، کم و بیش، به یکسان مورد تبعیض و ستم ملی حکومت مرکزی قرار داشته اند. دهقان و کارگر یزدی، کرمانی، بلوچ، عرب، کرد و آذری به یکسان مورد ستم حکومت مرکزی قرار دارند. تنها تفاوت ما در زبان و آداب و رسوم ویژه هر خلق است که فرهنگ زیبا و رنگارنگ ساکنین ایران را آفریده است.

نباید به عناصر افراطی و شوینیبست فرصت داد که تخم کینه و نفرت را در میان فارس و ترک و کرد و بلوچ و عرب بکارند. و همچون بعضی کشورهای همسایه میان خلق ها و مذاهب گوناگون آتش افروزی کنند. چنین عناصری آگاهانه و یا نا آگاهانه آلت دست رژیم های منطقه ای اعم از عربستان سعودی، ترکیه و جمهوری اسلامی و نیز امپریالیستهای با نفوذی نظیر آمریکا و انگلیس هستند و از طرف آنها تغذیه و پشتیبانی می شوند.

همانطور که چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است، چاره خلق های ساکن کشورمان ایران نیز در اتحاد با یک دیگر و نیز در آمیختن با مبارزات سراسری کارگران و دهقانان و معلمان و زنان و جوانان و دانشجویان است.

- پیروز باد جنبش 21 آذر

- گرامی باد یاد همه جان باختگان جنبش خلق آذربایجان و

دیگر خلق های ایران

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

21 آذر ماه 1397

**از مبارزات کارگران و زحمتکشان کشور حمایت کنیم!**

## جهان بینی فرقه دمکرات آذربایجان...

انتخاب کند... یکی تجدید و احیای دیکتاتوری، ظلم و جور، تعدی و قتل و جنایت، دیگری آزادی، تکامل و ترقی، عدل و داد، اگر ارتجاع غلبه کرد و ما را به راه اولی کشاند، نتیجه جز اضمحلال ملت و محو استقلال مملکت نخواهد بود، اگر راه دوم را پیش بگیریم، حتما به ساحل نجات خواهیم رسید. (آزیر، شماره ۱۷۲، ۱۵ مرداد ۱۳۲۳ مقاله، خائنین کشور را به کجا می کشانند)

عملکرد حاکمیت در تهران بگونه ای پیش می رفت و شکل می گرفت که صف مبارزین در راه آزادی و صلح از صف ارتجاع و وابستگان به آن جدا می شد و با گذشت زمان از هم فاصله می گرفت. این در شرایطی که جنگ با شدت در مناطق مختلف جهان بویژه در اتحاد جماهیر شوروی ادامه داشت و برخی کوه فکرا هم به پیروزی فاشیسم باور داشتند و در نمان به آن چشمک می زدند، همزمان با آن حاکمان تهران به مذاکره با شرکت های نفتی به صورت پنهانی ادامه می دادند، اقتصاد را هم به گروه «دکتر میلیسپو» سپرده بودند تا زمینه افزایش حجم تجاری با ایالات متحده را جایگزین آلمان کند، ژاندارمری را هم به «سرهنگ شوارتسکف» و شرکای آمریکایی وی واگذار کرده بودند که ارتش را برای آینده آماده سازند. بنابراین نیرو های مترقی که احساس خطر می کردند با تمایل به جهان بینی صلح طلب سازمان ها، نهاد ها و گروه های خود را تشکیل می دادند، در این راستا حزب توده ایران «جبهه آزادی» را تشکیل داد و پیشه وری با نشریه خود بنام «آزیر» به آن پیوست. همزمان از آذرماه ۱۳۲۲ توازن قدرت و جنگ در جبهه ها بویژه اتحاد جماهیر شوروی به نفع نیروهای مترقی و ضد فاشیست در حال تغییر بود که این خود مایه نگرانی برخی از نیرو های ارتجاعی در داخل می شد. در نتیجه ارتجاع با کاربرد شیوه های گوناگون به سرکوب نیرو های مترقی بویژه در آذربایجان می پرداخت. از انتشار روزنامه به زبان ترکی جلوگیری می کرد و در صورت انتشار مانع از پخش آن در کشور می شد. همسو با آن به بحران اقتصادی در آذربایجان دامن می زد تا زمینه سرکوب را فراهم آورد، در این میان به جنبش های دهقانی و سندیکاهای کارگری با نفرت می نگریست و خشم می ورزید.

رفتار، گفتار و کردار نیروهای لشگری و کشوری در آذربایجان که از سوی تهران منصوب می شدند، بگونه بود که مردم را بسیار خشمگین می کرد و گاهی احساس بیگانگی به آنها دست می داد، در این میان ظلم و جور خوانین با همکاری ژاندارمی عرصه را بر روستائیان تهیدست تنگتر می کرد، تهیه نان هم در شهر ها به یک معضل تبدیل شده بود. بنابراین جامعه هم از نظر روانی و هم از نظر

سال های طولانی نظام شاهنشاهی و دلدادگان داخلی و خارجی اش تبلیغات وسیع و گسترده ای بر علیه این جنبش مردمی براه انداختند و روز ۲۱ آذر را روز نجات آذربایجان خواندند و مانع از آن شدند که مردم بویژه کنشگران اجتماعی و سیاسی کشور با واقعیت های نهفته در درون جنبش و حکومت ملی آذربایجان آشنا شوند و از آن شناخت واقعی پیدا کنند. تبلیغات مسموم همراه با سکوت کامل در برخورد با جنبش ۲۱ آذر در رژیم ولایت هم همچنان ادامه یافت. هر چند برخی از پژوهشگران جوان در سال های اخیر تلاش کردند تا بخشی از زوایای پنهان آن را آشکار سازند، ولی فرصت طلبانی هم برای مطرح کردن خود با عناوین دانشگاهی (جمیل حسنی و دیگران) به بازگو کردن همان تهمت های دیرینه و کهنه با سند سازی های بی اساس، کوشیده اند که همراه با نام آوری زود گذر و اخذ اجرت برای خود، مطالب دروغ و کذبی را ردیف کنند که خوشایند ارتجاع داخلی و خارجی باشند.

فرقه دمکرات آذربایجان ضرورت تاریخ، شرایط اجتماعی و اقتصادی آن دوره و خواست توده های زحمتکش و تهیدست مردم آذربایجان بود که با جهان بینی خاص و مشخصی مجهز شده بود و به چگونگی زندگی خود و تعامل با دیگران برای رسیدن به اهداف انسانی و ارزش های جهانشمول بشری با کاربرد علم و سیاست باور داشت. هر انسان، گروه، سازمان و حزب سیاسی، جهان را بگونه ای می بیند و تفسیر می کند که به آن می نگرد، هر چند حوادث، رخداد های اجتماعی، چینش طبقاتی، شیوه تولید، احساسات فردی و جمعی و... در شکلگیری جهان بینی و شناخت بسیار موثر و تعیین کننده است.

در جهان بینی علمی، اندیشه و تفکر با زندگی بشر و چگونگی آن رابطه تنگاتنگی دارد نیاز های بشری در هر شرایطی شناسایی می شود و با کاربرد خرد، اندیشه، علم و عقل فردی و اجتماعی برای رسیدن به آن تلاش می شود، فرقه دمکرات آذربایجان زائیده این بینش و جهان بینی بود که در یک سو فاشیسم جنگ طلب، امپریالیسم توسعه گر و ارتجاع فتنه گر داخلی و در سوی دیگر نیرو های صلح طلب، آزادی خواه و ترقی خواه قرار داشت که فرقه دمکرات آذربایجان در این صف آرابی در کنار صلح و مبارزه با ارتجاع و فاشیسم قرار گرفت تا در راستای خوشبختی انسان تلاش ورزد و قدم های بلندی بردارد. پیشه وری از شخصیت های برجسته آذربایجان و فرقه در مقاله ای زیر عنوان «ملت بر سر دو راهی سرنوشت» با اشاره به آن نوشت: جنگ خونین جهان به آخر می رسد، کشور ما نیز با خاتمه آن بر سر دو راهی قرار خواهد گرفت که باید یکی را

درخشانی فرمانده لشکر تبریز با شناسایی نهضت آذربایجان تسلیم و در خدمت آن قرار گرفت. فرقه کنگره بزرگ خود را با شرکت ۳۲۵ نماینده از شهرها و مناطق گوناگون در ۲۹ آبانماه برگزار کرد (در این کنگره ۱۱ نفر از نمایندگان مسیحی بودند) کنگره بیانیه خود مختاری خود را منتشر و نسخه ای از آن را به تهران و برخی از کنسولگری ها (ایالات متحده، بریتانیا، اتحاد جماهیر شوروی و فرانسه) فرستاد. کنگره بزرگ و ملی آذربایجان که از پشتیبانی ۱۵۰۰۰۰ امضا برخوردار بود بار دیگر پابندی خود را به تمامیت ارضی، تدریس زبان ترکی در مدارس و دوائر دولتی، گسترش آزادی و دمکراسی در سراسر ایران اعلام کرد. در مدت کوتاهی نیروهای نظامی و انتظامی خود را تشکیل داد تا از دست‌آورد های جنبش ۲۱ آذر دفاع کند.

آذربایجان با ادبیات سیاسی آشنایی بیشتری داشت و به جهانبینی و گرایش های گوناگون آن آگاه بود، بخشی از آن را در پروسه انقلاب مشروطه و بخش دیگر را از جنبش روشنفکری و سوسیال دمکراسی آموخته بود که از سوی کارگران و زحمتکشانش شاغل در شهرهای باکو، تفلیس و... به این سو منتقل می شد. از آن رو حزب توده ایران اولین کمیته ایالتی خود را در آذربایجان تشکیل داد و اتحادیه های کارگری برای حفظ کار و افزایش دستمزد مبارزه پیگیر خود را آغاز در آنجا کردند. کنگره دهفانی هم برای نخستین بار در فروردین ماه سال ۱۳۲۵ در تبریز تشکیل شد تا چگونگی افزایش محصول و برقراری روابط عادلانه بین مالک و رعیت را مورد بررسی قرار دهد. از این رو کینه ورزی و دشمنی ارتجاع با جنبش ۲۱ آذر و فرقه دمکرات آذربایجان تا به امروز هم همچنان ادامه دارد و پایانی بر آن متصور نیست تا روزی که نیروهای مترقی و عدالتخواه با پیوند و همبستگی، ارتجاع حاکم را طرد و نظام دمکراتیک خود را برپا سازند. هنوز آرزو ها و خواسته های دمکراتیک فرقه دمکرات آذربایجان با برجاست و تا تقسیم قدرت سیاسی و اقتصادی و مشارکت توده های مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و تشکیل حکومت های محلی و منطقه ای ادامه خواهد یافت. تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی در یک مرکز و تقویت آن با نیروی نظامی و سرکوبگر یکی از موانع بزرگ و پایدار در عدم دسترسی به دمکراسی و نهاد های مردمی در کشور است. که تجربه چند دهه آن را به اثبات می رساند.

اقتصادی و اجتماعی آماده به تغییر و تحول بود که فرقه دمکرات آذربایجان با شناخت جامعه به درخواست مردم آذربایجان پاسخ مثبت داد و در خدمت آنان قرار گرفت. در این راستا بیانیه ۱۲ شهریور خود را با ۱۲ ماده به زبان های ترکی و فارسی که به تائید ۴۸ روشنفکر، متفکر و کنشگر اجتماعی و اقتصادی آذربایجان رسیده بود منتشر کرد. در مقدمه آن آمده بود: ایران مسکن اقوام و ملل گوناگون است، این اقوام و ملل هر قدر آزادتر زندگی کنند، یگانگی بیشتری خواهند داشت، قانون انجمن های ایالتی و ولایتی کوشیده است که به این وسیله تمام مردم ایران را در تعیین سرنوشت کشور دخالت داده و رفع احتیاجات مخصوص ایالات و ولایات را بخود آنها واگذار کند... خلق آذربایجان می گوید: ما می خواهیم ضمن حفظ استقلال و تمامیت ایران در ادامه امور داخلی خود مختار و آزاد باشیم، تهران از تشخیص و رفع احتیاجات ما عاجز است، از ترقی فرهنگ ما جلوگیری می کند، زبان مادری ما را تحقیر کرده، اجازه نمی دهد ما آزاد زندگی کنیم.

این گفتار و نوشتار نشان می دهد که فرقه دمکرات آذربایجان با شناخت و ارزیابی درست از جامعه خواهان آزادی و گسترش دمکراسی در گستره ایران بود و با آن جهان بینی صلح طلبانه زمینه های دمکراسی و نهاد های دمکراتیک را در جامعه برقرار می کرد و در صورت پیروزی در خواسته خود مانع بزرگی برای پیشگیری از کودتا و حاکمیت ارتجاع در سال های بعد می شد. پیشه وری همواره تکرار می کرد و می گفت: هدف ما مبارزه با استبداد و ارتجاع و وظیفه فرقه آزادی ملی مردم آذربایجان است، حتا با هشدار به حاکمان تهران می نوشت: اگر تهران راه ارتجاع و محو آزادی را در پیش گیرد، آذربایجان از تهران بریده راه خود را به تنهایی ادامه خواهد داد... ما سوگند یاد کردیم که دمکراسی و آزادی را با تمام قوا حفظ کنیم... چنانچه حقه بازان تهران در اثر الهام هایی به محو آزادی ادامه دهند، ما مجبوریم یک گام فراتر نهاده و از آنجا کاملا قطع رابطه کنیم (روزنامه آذربایجان، شماره یک، ۱۴ شهریور ۱۳۲۴ مقاله، ایکی یول آیریجیندا بیزیم آخر سوزوموز)

تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان با استقبال گرم و شدید مردم آذربایجان روبرو شد و در مدت کوتاهی دفاتر خود را در شهرها و روستا ها باز کرد، کمیته ایالتی حزب توده ایران، اتحادیه شورا های کارگری، نهاد های هنری و مردمی به آن پیوستند و سرتیپ

رویداد تاریخی 16 آذر، روز دانشجو گرامی باد!...

و خطر فاشیسم و تفکرهای وابسته به آن، عمده مبارزه‌اش را در جهت افشای این گرایش ارتجاعی متوجه کرد و در نتیجه آن دستاوردهایی درخشان نصیب جنبش مردمی کرد.

با سقوط فاشیسم، جنبش دانشجویی وارد مرحله‌ی جدید از مبارزه سیاسی گردید که هدف آن پیکار با سلطه رژیم دیکتاتوری حاکم بود. این مبارزه در سال‌های بعد با مبارزه بر ضد استعمار درهم تنیده شد و هراس ارتجاع حاکم و امپریالیسم را برانگیخت. هجوم به دانشگاه‌ها، دستگیری و کشتار دانشجویان در طول سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ وحشت و نگرانی نیروهای ضد مردمی از حرکت دانشجویی را آشکارا نشان می‌دهد. کودتای ۲۸ مرداد نیز نتوانست سکوت قبرستانی را بر جنبش دانشجویی تحمیل کند و همین پویایی و استقامت ثبت ۱۶ آذر به نام روز دانشجو را موجب گردید. جنبش دانشجویی در این مقطع، لبه تیز تیغ حمله‌اش را به درستی به جانب امپریالیسم- در مقام طراح، آمر و هموارکننده راه کودتا- متوجه کرد.

جنبش دانشجویی در به ثمر رساندن انقلاب شکوهمند بهمن 1357 نقش تعیین کننده و بسزایی ایفا کرد. دانشگاه‌های کشور به سنگر مبارزه علیه استبداد تبدیل شد. دانشجویان مبارز در افشای جنایت‌های رژیم ضد مردمی پهلوی، هماهنگی و سازماندهی مبارزات مردمی و پیوند این مبارزات با اعتراضات و اعتصابات کارگری نقش محوری داشتند.

پس از پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷، نیروهای واپس‌گرا، با آگاهی از توان جنبش دانشجویی و هراس از آن، در هم‌کوبیدن سنگر دانشجویان، یعنی دانشگاه‌های کشور را هدف اصلی حمله‌های سرکوبگرانه‌شان قرار دادند. «انقلاب فرهنگی»، سازوکار نیروهای ارتجاعی حاکم در پاکسازی دانشگاه‌ها از دانشجویان و استادان مبارز و دگراندیش بود.

پایبندی دانشجویان به سنت‌های مبارزات دانشجویی، محاسبات نیروهای واپس‌گرا را در هم کوبید. رویدادهای بعد از خردادماه ۱۳۷۶، خیزش دانشجویی در تیرماه ۱۳۷۸، و نقش جنبش دانشجویی در اعتراضات میلیونی ۱۳۸۸، نشان دادند که صدای آزادیخواهی و عدالت خواهانه جنبش دانشجویی را نمی‌توان در گلو خفه کرد و جنبش دانشجویی در تمام این سال‌ها

سنت همیشه ماندگار ۱۶ آذر در گرامی‌داشتِ خاطره سه دانشجوی مبارز توده‌ای و مصدقی که با فریادهای اعتراض‌شان در برابر کودتاچیان وابسته به امپریالیسم به نماد مقاومت خلق تبدیل شدند، و نهادن نام «روز دانشجو» بر این رویداد، بازتاب‌دهنده نقش پراهمیت و ادامه یابنده جوانان و دانشجویان در جنبش مردم ایران است. روز دانشجو آینه‌ی از پویایی جنبش اجتماعی چندین نسل از مبارزان را برابر دیدگان نسل کنونی می‌گذارد که شور مبارزه پایدار خلق‌های میهن‌مان در آن جلوه‌گر است. نسل پویا، آگاه، انقلابی، مترقی و پایبند به منافع ملی و میهنی، با وجود سرکوب‌ها، شکنجه‌ها، اعدام‌ها، دستگیری‌ها، و زندان‌ها، نقش تعیین‌کننده‌اش را در تمامی رویدادهای تاریخ معاصر میهن ما به ثبت رسانده است، و روند مستمر، کمال‌یابنده و تاریخ‌ساز آن، با همه اُفت و خیزها، از حرکت باز نمانده است، و با بهره‌گیری از سنت‌های ریشه‌دارش، همچنان به راه خویش ادامه می‌دهد.

گرچه تاریخچه مبارزات دانشجویی به‌طور عمده روز دانشجو، یعنی ۱۶ آذر، را همچون نقطه عطف این جنبش می‌شناسد، اما سرآغاز و تکوین جنبش دانشجویی به میانه‌های دهه دوم ۱۳۰۰ خورشیدی بازمی‌گردد. بررسی تاریخچه جنبش دانشجویی میهن‌مان این واقعیت را به اثبات می‌رساند که این جنبش در هر مقطع، سمت و سوی حرکتش را در پیوند با نیازهای روز جامعه هماهنگ کرده است. با تشکیل اولین نطفه‌های جنبش دانشجویی به‌وسیله دکتر تقی ارانی، نیاز جامعه به تشکیل‌یابی، آگاهی‌بخشی و مبارزه با استبداد در دستورکار قرار گرفت. هرچند این حرکت مترقی و فوق‌العاده ارزشمند با دستگیری فعالان آن متوقف گردید، اما این شروع و گسترش آشنایی با قانونمندی‌های این مبارزه در مرحله‌های بعدی روندهای کمال‌یابنده در جنبش دانشجویی را باعث گردید.

با سقوط استبداد رضاخانی، جنبش دانشجویی نوپای دوره پیش از جنگ جهانی دوم با درس‌آموزی از مبارزه‌های چندساله برای پاسخ‌دهی به نیازهای جامعه، با گام‌های استوار به جنبش مردم پیوست و به‌طور گسترده در صحنه سیاسی ایران حضور یافت. جنبش دانشجویی به‌دلیل جنگ دوم جهانی

شده است. بحران اقتصادی و نا امنی اجتماعی بر کسب و کار  
اقتشار متوسط جامعه تاثیر گذار بوده است. ورشکستگی  
بسیاری از کارخانجات و بنگاههای تولیدی را در پی داشته  
است. این همه گواه بحرانی شدن بیشتر جامعه است.  
اعتراضات سراسری مردم در دیماه گذشته، اعتراضات  
سراسری معلمان، اعتراضات دانشجویان و اعتراضات  
گسترده کارگری در نقاط مختلف کشور، سیاست های ویرانگر  
رژیم را به چالش کشیده است. در دست اندرکاران حکومت در  
پاسخ به خواست معترضین چاره ای جز سرکوب ندارند. این  
امر نشان می دهد که حاکمیت جمهوری اسلامی توان و  
ظرفیت کنترل بحران های رو به رشد را از دست داده است و  
قدرت سرکوبش راه به جایی نخواهد برد.

رشد و گسترش جنبش مردمی دولت و حاکمیت جمهوری  
اسلامی را با چالشی جدی روبهرو کرده است. این روزها  
جناح های حکومتی در هراس از نیرو گرفتن جنبش مردمی، با  
سرعت بیشتری با خواست های امپریالیسم، در جهت اجرای  
برنامه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی گام بر می  
دارند. اجرای عملی این برنامه ها علاوه بر اینکه به نقض  
حاکمیت ملی میهن منجر می شود، وضعیت بسیار دشوار  
کنونی زحمتکشان میهن مان را نیز دوچندان خواهد کرد. نیاز  
میرم جامعه ما در شرایط کنونی، افشای سیاست های ضد  
مردمی به خصوص در رابطه با برنامه اقتصادی است. این  
وظیفه دشوار، با توجه به گستره تبلیغی حامیان این برنامه ها،  
چالش عظیمی است که سهم عمده ای از بار سنگین رویارویی  
با آن بر دوش جنبش دانشجویی خواهد بود.

فرقه دمکرات آذربایجان بر این باور است که جنبش دانشجویی  
ایران با تمام تنگناها و محدودیت ها، همچنان با افتخار و  
سربلندی پیشاپیش و دوشادوش جنبش آزادیخواهی و عدالت  
جویانه، کارگران، معلمان و دیگر زحمتکشان خلق های  
کشورمان، نقش محوری و جایگاه شایسته خود را ایفا خواهد  
کرد.

و باوجود تحمل هزینه های سنگین، همچنان به مبارزه ادامه  
داد.

سنت رزمندگی، همراه با نفوذ اندیشه های چپ، پیشرو و  
انقلابی در جنبش دانشجویی کشور و پیوند عمیق این جنبش با  
جنبش سراسری زحمتکشان کشور رمز ماندگاری آن است و  
دلیل هراس و دشمنی نیروهای واپسگرا و ضد مردمی با  
جنبش دانشجویی در همین جا است

در طول تاریخ چهار دهه اخیر، سرکوب جنبش دانشجویی  
همواره سرآغاز و زمینه ای جهت اقدامات ضد ملی از سوی  
حاکمان مرتجع بوده است. جوانان و دانشجویان میهن ما به دلیل  
سیاست های فاجعه بار رژیم صدمه های عظیمی را متحمل  
شده اند. از جنگ خانمان سوز هشت ساله با عراق، که صدها  
هزار تن از جوانان میهن ما را به کام مرگ کشانید، تا تخریب  
اقتصادی و فرهنگی کشور و تحمیل تفکرهای قرون وسطایی  
بر جامعه، درپیش گرفتن سیاست های سرکوب، شکنجه و  
کشتار دگراندیشان در بیش از سه دهه گذشته، تنها بخشی از  
دشواری هایی بوده اند که مردم میهن ما و جنبش دانشجویی  
کشور با آن ها روبهرو بوده اند. بر این مجموعه، نقش  
امپریالیسم جهانی با کمک ضد انقلاب داخلی برای به زانو در  
آوردن انقلاب بهمن 1357، زمینه ساز تحمیل تحریم های  
مخرب اقتصادی غرب را نیز باید افزود تا شدت فاجعه تحمیل  
شده بر میهن ما بیشتر روشن شود.

امروز کشور ما در بحران همه جانبه روبرو است. اقتصاد  
کشور ویران شده است. بیکاری، فقر، گرسنگی، بی خانمانی،  
اعتیاد، فحشا و ناهنجاری های بسیاری گریبان جامعه را  
گرفته است. وضعیت آموزشی و فرهنگی کشور نا مطلوب و  
رژیم همچنان تلاش دارد با قوه قهریه نظام آموزشی و  
فرهنگی کشور را کنترل کند. از سویی دیگر دزدی های  
کلان، حقوق های نجومی، خروج سرمایه ها از کشور و ...  
باعث تنگ دستی و فشار بی اندازه به کارگران و زحمتکشان

## مراسم یکصدمین سالروز ...

تنی چند از محققان، شرق شناسان و ... بر گزار شد. در این نشست مهمانانی از چند کشور و نمایندگان رسانه های گروهی نیز شرکت داشتند.

در ابتدا رحیم حسین زاده صدر جمعیت مهاجرین ایرانی ضمن خوش آمدگویی به حاضرین، به اطلاع رساند که این مراسم شکوهمند از طرف کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان و جمعیت مهاجرین ایرانی به پاس خدمات ارزنده شهید فریدون ابراهیمی در دوره حکومت خودمختار آذربایجان ۱۳۲۵ - ۱۳۲۶ برگزار می شود. مراسم با سرود ملی دولت خودمختار آذربایجان آغاز شد. حاضرین به احترام از جا برخاستند و با سر دادن سرود ملی دولت خود مختار آذربایجان، یاد و خاطره جان فشانی و مبارزات خلق آذربایجان به رهبری پیشه وری را گرمی داشتند.

آنگاه فیلم مستند "عمر عقاب" به مدت ۱۸ دقیقه پخش شد. این فیلم بخشی از پیشرفت های آذربایجان در دوران حکومت ملی را نشان می دهد. که قسمتی از آن به خانواده ابراهیمی ها بویژه فریدون ابراهیمی اختصاص دارد.

در ادامه صمد بایرامزاده مسئول بخش ایران شعبه شرق شناسی آکادمی علوم آذربایجان، در مورد شخصیت برجسته و همه جانبه فریدون ابراهیمی سخن گفت. بایرام زاده اشاره کرد: فریدون ابراهیمی با اینکه بیش از ۲۷ سال نداشت در عرصه سیاست، حقوق، دیپلماسی، روزنامه نگاری، تاریخ نویسی و نویسندگی چنان تبحر داشت که تعجب همگان را بر می انگیزد. شهید فریدون ابراهیمی در عین حال مبارزی معتقد بود و تا پای جان برای سعادت خلق آذربایجان و دیگر خلق های ایران به تلاش خود ادامه داد و در این راه به شهادت رسید...

دکتر عادل چرنیک بلند، عضو هیئت اجرائیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان و عضو رهبری جمعیت مهاجرین ایرانی دیگر سخنران اجلاس بود. دکتر عادل که خود از اعضای فعال سازمان جوانان فرقه دمکرات آذربایجان، در دوران حکومت خود مختار آذربایجان، بوده است. به تلاش و مبارزه شگفت انگیز جوانان آذربایجان در آن دوره پرداخت و گفت: من که خود یکی از همان جوانان بودم امروز متعجبم که آن همه انرژی و شور و شوق از کجا نشئت می گرفت. دختران و پسران جوان و نوجوان در عرصه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزش، اجتماعی و دفاع از دولت ملی چنان تلاش می کردند که غیر قابل وصف است. فریدون ابراهیمی یکی از همین جوانان بود که با سن کم مسئولیت های بسیار سنگینی از جمله داستانی کل دولت خود مختار آذربایجان را پذیرفته بود و

بحق از عهده آن برآمد. عادل خانم که برای اولین بار فریدون ابراهیمی را در اولین کنگره سازمان جوان فرقه در تبریز دیده بود، یاد آوری کرد خانواده ابراهیمی ها در جنبش انقلابی ایران نقش بسزایی دارند. این خانواده شهدایی مثل غنی ابراهیمی، فریدون ابراهیمی و انوشیروان ابراهیمی به جنبش انقلابی و آزادیخواهانه ایران تقدیم کرده اند و شخصیت های برجسته ای مانند ایرج ابراهیمی و ایراندخت ابراهیمی در این خانواده رشد کرده اند. امروز نیز فریدون ابراهیمی فرزند شهید انوشیروان ابراهیمی در بین ماست...

در ادامه تعداد دیگری از شرکت کنندگان، طی سخنانی دیدگاه و نظر خود را در مورد فریدون ابراهیمی ارائه دادند.

سپس اعلام شد، در پی فراخوان کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان و جمعیت مهاجرین ایرانی، نزدیک به ۵۵ مقاله تحقیقی، ادبی و داستانی از ایران، آلمان، سوئد، دانمارک، بلاروس و جمهوری آذربایجان، به زبان های آذربایجانی، فارسی و انگلیسی به هیئت برگزار کننده رسیده است.

هیئت برگزار کننده، پس از بررسی، سه نفر اول را به این شرح اعلام کرد: از جمهوری آذربایجان انور، از ایران حمید و از سوئد سعادت کریمی. هیئت آقایان صمد بایرام زاده از آذربایجان و حمید آذری از آمریکا را به پاس تلاششان برای انتشار مجلد روزنامه آذربایجان دوران حکومت ملی، شایسته لوح تقدیر دانست.

هیئت آقایان محرم سرابی و داریوش ظفیری از آلمان و نویسنده دیگری از ایران را به پاس زحماتی که برای معرفی خانواده ابراهیمی ها به نسل جوان متحمل شده اند، شایسته لوح تقدیر دانست.

هیئت آقایان ایلیار پولاد، بهروز مطلب زاده، ابراهیم شیرینی، صفر صادقی و خانم ناهید مذکورگی را شایسته دریافت دیپلم افتخار دانست.

هیئت از همه کسانی که با نوشتن مقاله و ارسال مطلب جهت بهتر برگزاری این کنفرانس یاری رسانده اند قدر دانی کرد. که از آن جمله از خانم ها فاطمه جعفرآوا، سامینه صادق آوا، اسمیرا فواد، پروانه محمدلی و آقایان حسن آهنگی، تاریل امید، پرویز کاظمی، احمد قربان اوغلی و صدر الدین سلطان می توان نام برد.

پس از اهدای جوایز به برندگان، فریدون ابراهیمی فرزند شهید انوشیروان ابراهیمی با سخنان کوتاهی از همه عواملی که با تلاش شبانه روزی به برگزاری این کنفرانس یاری رسانده اند، از همه نویسندگان مقالات، شرکت کنندگان در اجلاس و خبرنگاران و رسانه های گروهی تقدیر و تشکر کرد.

به این ترتیب نشست پایان گرفت.



## بوتون تشکیلاتچیلارا و ایشتیراکیچیلارا...

گلجه-گیمی حقوقشناسلیقا باغلاماغی قطعیشدیرمیشم. باکی دولت اونیورسیتتینی بیتیریپ آذربایجانین پروکورورلوق اورقانلاریندا چالیشدیغیم ۳۷ ایلین هر گونونده انله سانمیشام کی، فریدون و انوشیروان ابراهیمیلر باشیمین اوزه-رینده دایانیب نظارت اندیرلر. اونلارا هر گون وجدانی حساباتیمی وئریشم. اوتن مدته نه واختسا رهبرلیک طرفیندن تنبیه اولونما، جزالاندریما حاللاری ایله اولشمه-میشم. دفعه لرله باش پروکورورلوقون تعریفنامه-لری، قیمتی هدیه لری ایله مکافاتلاندریلمیشام. بو سیستمده ان نفوذلو حساب اندیلن آذربایجان رئسپوبلیکاسی پروکورورلوق اورقانلارینین فخری امکداشی آدینا و دوش نیشانینا لایق گورولموشم. حاضرده تقاعده چیخدیغیم بیر واختدا داخیلن تسلیی تاپیرام کی، من اونلارین روحو قارشیسیندا بورجلو قالمامیشام.

علاوه اندیم کی، ف. ابراهیمینین یوبیلینی آذربایجان رئسپوبلیکاسیندا پروکورورلوق اورقانلارینین یارانماسینین ۱۰۰ ایلیگینه تصادف ائتمه سینین اؤز ده سیمولیک علامت سایلمالیدیر. بو مناسبت ایله باش پروکورور ذاکر قارالوف طرفیندن منه تعریفنامه ده گوندریلیب، اورادا خدمتیریم ایفاده-سینی تاپیب .

بونلار اؤز یئرینده یازیدان مقصدیم هنج ده کیمه-سه حسابات وئریمک دئییل. سادهجه فریدون ابراهیمی باره-ده مآخذلره، فیکرلره، سیناتلارا استینادن هر بیر آذربایجانلینین، حقوقشناسین اوندان نیه نمونه گؤتورجه-گینه قیساجا آیدینلیق گتیریمک ایسته-ییرم.

آذربایجان ملی حکومتی جمعی بیر ایل عمر سوروب. اما اونون بوتون شرق خلقلرینه هر ساحه-ده نمونه اولایبیله-جک قانونلار توپلوسو مضمونونا، دولغولوغونا گوره، ان اساسی جمعیتده یاشیندان، وظیفه سیندن، ملیتیندن آسیلی اولمایاراق هر بیر شخصین حقوق و دمکراتیک آزادلیقلارینی اساس گؤتورمه سی ایله یادداشلاردا قالیب. همین قانونلار اینسان منافعینه، شرف و لیاقتینین قورونماسینا، رفاه حالینین یاخشیشدیریلیماسینا، ایش و اجتماعی فایدالی زحمتین تأمیناتینا، وطنین اقتصادی ترقی-سینه یونه لن هر جور خصوصی ملکیت حقونون مدافعینه استقامتله-نمیشدی.

بو تاییلی وطنیمیزین ساکینلرینه داها یاخیندان تانیدیلماسی، نسیلره تبلیغی اوچون باشلادیغیمیز ایشلرین یینی، کیفیت مرحله-سینه قدم قویاغاغینا اینانیریق. بئله نتیجه-یه اؤنجه-دن گلمه-یه یوبیلنی تشکیلاتچیلارینین - آذربایجان دمکرات فرقه سی مرکزی کمیته سی و "ایرانلی مهاجرلر جمعیتی" اجتماعی بیرلی-گینین سون ایکی آیدا حاضرلیق چرچیوه-سینده نظرده توتولان بوتون تدبیرلری یوکسک سویه-ده یکونلاشدیرمالاری اساسلار وئریر.

بئله کی، منصفلر هییتی آذربایجانین شهر و بؤلگه-لریندن، اروپا اولکه لریندن، ایراندان بین الخالق مسابقه-یه گوندریلن یازیلاری اوخویاراق ان یاخشیلاری معینلشدیریپ، آذربایجان علملر آکادیماسینین ریاست هیئتینین قراری ایله فریدون ابراهیمینین ایکی کیتابی نشر اولونوب، "آذربایجان" روزنامه سینین، "مهاجیر" قزنتینین یوبیلنی سایلاری ایشیق اوزو گوروب، ایشتیراکیچیلارا دعوت نامه لر گوندریلیب، دوش نیشان، تقویم و قلم حاضرلانیب. تدبیرده معروضه و چیخیش ائده جک عالیملرین، تحقیقاتلارین دا آدلاری معلومدور.

بویوک هجملی ایشلرین قیسا مدته کیفیتله اجرایی عینی زاماندا فریدون ابراهیمی شخصیتینین اونودولمادیغینین تصدیقیدیر. بو منیم اوچون سون سوز سئوینج، غرور منبعیدیر. آتام انوشیروان ابراهیمی قارداشینین عزیز خاطره-سینه احترام علامتی اولاراق اونون آدینی، سوی-آدینی منه وئرپ. بو باخیدان یوبیلنی تدبیرینین بوتون تشکیلاتچیلارینا، ایشتیراکیچیلارینا، یازی غالبلرینه، مؤلفلرینه نسلین تشکورلرینی یئتیریمک منه حواله اندیلیب.

گوزومو دنیايا آچاندان اؤیمیزده زنگین کتابخانا، قلاق- قلاق قزنتلر، ژورناللار گورموشم. آتام آغلیم کسندن بابامدان - غنی کیشیدن ده دانیشیب، اما عمیم باره ده صحبتلری بیتیب- توکنمه-یب. اوندان بیلیمیشم کی، خالقیمیزین شرف سالنامه-سینی یارانانلار سیراسیندا اولان بیر نسله منسوبام.

حقوقشناس پئشه-سینی سئچمه-گیمین سببی ده ایلیک نؤبه ده والیدینلریم اولوب. اونلار منه فریدون ابراهیمینین نظرلری ایله باخییلار. سونرالار ادیباتدان، فیلملردن بو ساحه نین پئشه-کار، مرد، یئنیلمز اوبرازلاری ایله تانیپ اولاندا

او وقت اکثریتین گومانینا بنله گلمزدی کی، دوردونجو اوستانین باشچیسی، اورمیده-کی قوشون حیسبه-سینین کوماندری، کسدیگی باشلارا گوره هنج وقت سورغو-سوالا توتولمایان پولکونیک احمد زنگنه بارهده کیمسه اولوم حوکمو چیخارماغا جسارت انده بیلر. باش پروکورور ایسه جانی نین خواهیشینه گلنله سرت شکیده بیلدیرمیشدی کی، آغیر سلاحلار، تانکلار واسطه سیله قوجالاری، اوشاقلاری، الیالین اینسانلاری آمان سیزجاسینا اولدورن بیرسی نین حیاتدا یاشاماغا حاقی یوخدور. "چونکی بیز خالقین طالعی ایله محتکیرلیک ائدن آلیش-وئریشچی لر دنیلیک، اونون آزادلیغی یولوندا مبارزه قالمیش سربازلاریق. اولوم بیزی قورختمور".

بلی، او، آذربایجان ملی مجلسینین و ملی حکومتین خالقین مالینی، جانینی، امنیتینی، آزادلیغینی خالق دوشمنلریندن قورویوب ساخلاماق حاقینداکی عدالتلی قانونلارین حقیقی مدافعه چیسسی ایدی. فریدون ابراهیمی،

"ایرانلی مهاجر لر جمعیتی اجتماعی بیرلیگی"

صدری نین بیرینجی معاوینی

ملی حکومتین جیلد-جیلد حقوقی بازاسی هم ده سید جعفر پیشه-رینین رهبرلیگی آلتیندا چالیشانلارین، خصوصیه حقوقشاسلارین بونلاری حاصله گتیرمک اوچون نجه هوسله، گرگین ایشله-دیکلرینی، بوتون بیلک و باجاریقلارینی یئنی جمعیتین انکشافینا، محکمندیلمه-سینه صرف انتدیکلرینی گؤستر مکده دیر.

ف. ابراهیمی "آذربایجان" قزئتینده یازیردی کی، بیز هامیمیز آذربایجان ملی حکومتینین یئنی دورده بیزیم اوچون یاراتمیش اولدوغو یئنی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی شرایطن لیاقتله استفاده ائدیپ، اوز باجاریغیمیزی نشان وئرمه-لیگیگ. بوندان سونرا قانونو پوزان و خالقین حقوقونا تجاوز ائدن هر بیر شخص ان آغیر و رحمسیز صورتهه جزالاناجاق دیر...

ف. ابراهیمی اوزو زنداندا اولارکن یوزلرله گناهسیز اینسانین آمانسیزجاسینا جزالاندیریلدیغینی گؤرموشدو. اوزونو مدافعه ائدن محبوسلارین ۱۰۰ نفریندن چوخونون دورد ایل عرضینده محکمه قراری اولمادان حبسهه قالدیغینی مشاهده ائتمیشدی. ملی حکومتین باش پروکورور و تعیین ائدیلن کیمی اونلارین هامیسی آزادلیغا چیخدی. بنله-لیکله ده بوتون یاغلی و عدلری رد ائده-رک قانونون و شخصیتین عالیلیگینی ایانی صورتهه گؤستر میشدی.

### شمه ای از سیاست عالم اوهام راجع به دوستی آمریکا



این نوشته 97 سال قبل توسط سید جعفر پیشه وری در روزنامه حقیقت ارگان اتحادیه عمومی کارگران ایران به چاپ رسیده است. این نوشته کوتاه ماهیت امپریالیسم نوپای آمریکا و خطر آن را به جهانیان، مخصوصا به زحمت کشان گوش زد می کند. در صورتیکه بخش بزرگی از نیروهای ملی کشورمان، آمریکا را طرفدار آزادی و دمکراسی می دانستند. این توهم که حتی دکتر مصدق و یارانش تا آستانه کودتای ننگین 28 مرداد دچار آن بودند، لطمه شدیدی به کشورمان وارد کرد. پس از کودتا نقش جنایت کارانه آمریکا برای همه عریان شد که دیگر دیر بود.

سید جعفر پیشه وری تا نیز بینی خاصی ماهیبت واقعی امپریالیسم آمریکا را افشا می کند. پیشه وری می نویسد:

قبل از جنگ جهانگیری بازار ایران منحصر به دولت روس و انگلیس بود. این دو مملکت جهانگیر برای مقاصد سیاسی معینی

خودشان، ایران را میدان مبارزه قرار داده، حس نفرت ایرانیان را نسبت به خودشان روز به روز زیادتیر می کردند. در همین شروع

ایران را در همان زنده بی روح و مقوای تهی قبول و تصویب می کند و حال آن که مجمع فوق الذکر با مادر غیر مهربان خود ویلسون، از دنیای سیاست رحلت کرده است و بعد از ختم جنگ عمومی، چرخ سیاست عالم را رقابت انگلستان و آمریکا حرکت می دهد.

امروز انگلستان خود را در مقابل مملکتی می بیند که از هر حیث مسلح و قوی است. امروز رقابت آمریکا و انگلستان، فلاکت بزرگی (را) بعد از جنگ عالمگیری برای جمعیت بشر تهیه می کند. وضعیت دنیای سرمایه داری پیر که غیر از موت چاره دیگری ندارد، در مدت دو سه سال اخیر به نظر بعضی دکترهای کم تجربه سیاسی خوب می آمد. به خیال آن ها این پیره زن دارد چاق می شود. اما از سیاست عالم معلوم می شود که آن فربهی و چاقی که باعث خوش نیتی آن ها شده بود، از صحت و سلامت او نبوده، بلکه به جنگ تازه ای حامله شده است که بعد از وضع حمل احتمال هلاکت او را دارد.

امروز انگلیسی ها ژاپون را بر علیه آمریکا، و آمریکا، فرانسه را بر علیه انگلستان مثل چرخچی ها به میدان جنگ آینده سوق می دهند. آن ها نیز به نوبه خود مانند موزیک چپان جنگی دارند نوای جنگ عمومی تازه ای می سرایند. ما در خصوص غلبه و مغلوبیت طرفین در این مقاله نمی توانیم اظهار عقیده نماییم. فقط می توانیم بگوییم دولت آمریکا و انگلستان جنگ خواهند کرد؛ هر چند که لوید ژورژ (لوید جرج نخست وزیر انگلستان) در پارلمان انگلستان در طی اظهارات خود می گوید: اساس سیاست انگلستان باید دوستی با آمریکای شمالی باشد. لیکن نتیجه کنفرانس واشنگتن اثبات کرد که این فکر در کله لویدجورج همیشه نخواهد بود.

زیرا روزی که در کنفرانس واشنگتن مسئله خلع سلاح مذاکره می شد، در همان روز پارلمان آمریکا بودجه کشتی های جنگی را افزوده که بعد از مدت خیلی کم آمریکا دارای موقع اول در آب های دنیا خواهد شد. در صورتی که انگلستان این موقع مهم را به آسانی از دست نمی تواند بدهد. از اثرات همان رقابت است که آمریکا وادار به (خواستن) امتیاز معادن نفت شمال ایران و فرانسه به امتیاز معادن نفت آناتولی شدند که انگلستان این را هم به خونسردی نمی تواند بگذراند.

پس اشخاصی که امروز آمریکا را خلاص کننده ایران می دانند، نباید آن قدر زود باور و ساده لوح باشند و هر ندا را ندای فرشته نجات پندارند. گذشته از این باید دانست که آمال سرمایه داری یکی است. اشغال مستعمرات و مکیدن خون ملل ضعیف و رنجبران کره زمین.

روزنامه حقیقت شماره 3 - 12 جدی (دی) 1300 = 2 ژانویه 1922

جنگ عمومی (جهانی اول) حریف و رقیب بزرگ تازه ممالک فوق، یعنی مملکت جهانگیر آلمان در ایران نفوذ پیدا کرده بود. زیرا خط راه آهن برلین - اسلامبول و بغداد راهی بر روی ایرانیان باز می کرد و ایرانیان با پیدا شدن دست سوم در تجارت ایران خوشوقت بودند. در وقت جنگ ایرانیان غلبه آلمان را که در جهانگیری از انگلستان کمتر نبود، با هزاران چشم و گوش انتظار داشتند. ویلهلم که از مسببین جنگ عمومی است، در نظر ایرانیان فرشته خلاص کننده ایران بود. بعضی فاناتیک ها و موهوم پرست ها به مسلمانی او معتقد بودند، در صورتی که او اگر مسلمانی را در خواب می دید، می ترسید.

جنگ جهانگیری با غلبه انگلستان و مغلوبیت آلمان ختم شد. ویلهلم که ایرانیان او را حاجی ویلهلم می گفتند، دچار قهر و غضب ملت آلمان گشته، از صحنه سیاست دنیا خود را کنار کشید. نفوذ آلمان هم با همان مغلوبیت در ایران گسیخته شد. اما ایرانیان که همیشه منتظرند دیگران برای استخلاص آنها بکوشند، یا دستی از غیب برون آمده، بر سینه نامحرم زند، چنان که همیشه در سیاست به حيله و دیپلوماسی دیگران فوراً گول خورده، با ندهای شیرین و قشنگ سیاسيون ممالک متمدنه، بدون این که ندا کننده را بشناسد و مقاصد او را بفهمند، مثل شتر بی افسار به رقص می آیند، چنان که ندای ویلسون رئیس جمهور آمریکا و وعده ترک سلاح و تامین استقلال ملل ضعیفه یا مواد چهارده گانه مشهور او را ندای غیبی خیال کردند. در صورتی که ویلسون با این ندافقط یک سیاست و رل مهمی به منفعت آمریکا بازی می کرد.

جنگ عمومی آلمان را که رقیب انگلستان بود، از میان برداشته، به جای او آمریکای شمالی را گذاشت. اگر درست ملاحظه کنیم، می بینیم که در جنگ عالم گیر غلبه تنها نصیب آمریکای شمالی گردیده است؛ زیرا آمریکای شمالی فقط در وقت جنگ ثروت دنیا را به دست گرفته بود. اما انگلستان بعد از جنگ خود را در مقابل امر واقع دید، آن هم غلبه آمریکای شمالی بود. ویلسون بازی خود را انجام داد. ذهن دیپلومات های دنیا را مشوب کرد. فتح آمریکا را تامین نمود. لیکن ما در همان ساده لوحی خودمان باقی هستیم و مجمع اتفاق ملل را که مانور سیاسی و برای ناکام مرده شدن تولد یافته بود، محکمه عدالتش دانستیم. در صورت عضویت داشتن انگلیس و ایران در همان مجمع، انگلیسی ها تا به امور نظمیه و عدلیه، به کارهای داخلی ایران مداخله کرده، به واسطه آلت کردن رئیس الوزرای ایران (وئوق الدوله)، معاهده استقلال کش ایران و انگلیس (1919) را می خواستند به رسمیت برسانند، هیچ صدایی از آن مجمع عدالت شنیده نشد. حالا هم مجلس شورای ملی عضویت

### اصلاحات چی ها و اصول آزادی سید جعفر پیشه وری



موقعیت اشراف را محکمتر کنند و آقایی آن‌ها را بر سر ملت دوام بدهند. از این جهت در مسایل جزئی عصبانی می‌شوند، نصیحت می‌کنند، حتا فحش هم به آن‌ها می‌دهند، ولی این غوغاها نه برای دل سوزی ملت و حفظ آزادی است، بلکه برای حمایت آقایان خودشان است. و اگر انتشارات این‌ها را در جراید ملاحظه کنید، ملتفت می‌شوید که از يك طرف به مرتجعین نصیحت می‌کنند و از طرف دیگر به آزادی خواهان بد می‌گویند و مردم را از وخامت آزادی و تجدد می‌ترسانند و مثلاً می‌نویسند:

«ما نباید برای آزادی یا تغییر اوضاع کوشش بکنیم؛ زیرا يك دفعه مشروطه گرفتیم بی نتیجه ماند. ملت مستعد نیست. معارف نداریم. حزب سیاسی موجود نیست. در انتخابات ما را گول می‌زنند و باز هم اشراف انتخاب خواهند شد.»

اگر کسی از این مایوسها بپرسد، که علت عقیم ماندن اصول آزادی چیست؟ قطعاً جواب خواهند داد که: ملت لایق نبوده، یا این که میرابو و روبسپیر نداریم.

منبع: روزنامه‌ی «حقیقت»، شماره‌ی هشتاد و سه، چهارم

خرداد ۱۳۰۱

اصلاحات چی‌ها را در مواقع عادی ممکن نیست از آزادی خواهان حقیقی تمیز داد. اما در موقع پیش آمد مسایل جدی و مهم نمی‌توانند افکار خود را در پس پرده‌ی اختفا مستور داشته و فوراً خود را معرفی می‌کنند. این‌ها هر چند ادعای آزادی خواهی می‌کنند و سنگ ملت پرستی به سینه می‌زنند، ولی حقیقتاً این طور که وانمود می‌کنند، نیستند. این‌ها ایمان به قوه‌ی قاهره‌ی ملت و انقلاب ندارند. ظاهراً از اوضاع ناراضی هستند و می‌گویند که باید وضعیت اصلاح بشود، لیکن این اصلاح را اولاً از صنف حاکمه انتظار دارند؛ ثانیاً نصیحت و تشویق را یگانه چاره‌ی دردها تصور می‌کنند. به خیال این‌ها، ممکن است با دست‌طبقه‌ی ممتاز برای صنف‌های دیگر کار کرد.

بنابراین هر وقت در میان ملت، نهضت و جنبش بر علیه مفساد و خرابی‌ها شروع می‌شود، این آقایان به میدان افتاده، گاه به نعل و گاه به میخ می‌زنند و نمی‌گذارند توده‌ی ملت کاملاً از حقوق خود دفاع کرده، قدمی به طرف ترقی بردارد. این گونه اشخاص در مساله‌ی تجدد از خود مرتجعین خطرناک تر می‌باشند؛ زیرا این‌ها با مرتجعین آمیزش و دوستی می‌کنند، از سفره‌ی آن‌ها می‌خورند و با مساعدت آن‌ها کارهای مهم برای خود و دوستان‌شان تهیه می‌کنند. این‌ها ظاهراً مرتجع نیستند، ولی عملیات آن‌ها به نفع مرتجعین ختم می‌شود و چون در لباس آزادی خواهی هستند، سبب اغفال آزادی خواهان می‌شوند.

اساس مسلک و عقیده‌ی این‌ها بر خلاف اصول غارت گری و مفت خوری نیست. این‌ها با تنقید کردن اولیای امور می‌خواهند

### خانین کشور را به کجا می‌کشاند

سید جعفر پیشه وری

جنگ خونین جهان به آخر می‌رسد، کشور ما نیز با خاتمه آن بر سر دو راهی قرار خواهد گرفت که باید یکی را انتخاب کند... یکی تجدید و احیای دیکتاتوری، ظلم و جور، تعدی و قتل و جنایت، دیگری آزادی، تکامل و ترقی، عدل و داد، اگر ارتجاع غلبه کرد و ما را به راه اولی کشاند، نتیجه جز اضمحلال ملت و محو استقلال مملکت نخواهد بود، اگر راه دوم را پیش بگیریم، حتماً به ساحل نجات خواهیم رسید.

( آژیر، شماره ۱۷۲، ۱۵ مرداد ۱۳۲۳ مقاله، خانین کشور را به کجا می‌کشاند)

## گرامیداشت هفتاد و سومین سالگرد جنبش 21 آذر



پای جان خود از آرمان های انسان دوستانه فرقه دمکرات آذربایجان دفاع کردند. ما رفقای شهید غیر آذربایجانی بخصوص فارس زبان در میان شهامان زیاد داریم، تعدادی از این رفقا همزمان با اعدام شهید فریدون ابراهیمی، به دار آویخته شدند.

رفیق محمد از کادر مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان، یکی دیگر از سخنرانان مراسم بود. رفیق محمد در سخنان خود به نقش عده ای اشاره کرد که زیر نام پیشه وری، تلاش می کنند برنامه ها و اهداف پیشه وری و یارانش را وارونه جلوه دهند. آنها با بودجه های کلانی که معلوم نیست از کجا تامین می شود، ایده های پیشه وری را هدف قرار داده اند.

فریدون ابراهیمی معاون صدر جمعیت در سخنان کوتاهی در تائید گفته های رفیق محمد، گفت: همه می دانند که فرقه دمکرات آذربایجان هست و فعالیت می کند و هیچ گروه و دسته ای سخنگوی او نیست. و...

رفیق شیری از فعالین سابق سازمان فدائیان خلق (اکثریت) ضمن تبریک به مناسبت سالگرد تاسیس دولت خودمختار آذربایجان، گفت ما موظف به دفاع از ایده های ترقی خواهانه فرقه دمکرات آذربایجان تا پیروزی کامل هستیم.

مراسم با سخنان دیگر حاضرین ادامه پیدا کرد و با شعر خوانی تاریل امید شاعر فرقه ای خاتمه یافت.

شنبه 18 آذر ماه به دعوت کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان و جمعیت مهاجرین ایرانی، مراسم گرامی داشت هفتاد و سومین سالگرد تاسیس فرقه دمکرات آذربایجان در موزه استقلال شهر باکو باحضور گروهی از اعضا و هواداران فرقه دمکرات آذربایجان، جمعیت مهاجرین ایرانی و مهمانان محلی بر گزار شد.

در ابتدا رحیم حسین زاده صدر جمعیت مهاجرین ایرانی ضمن خوش آمد گویی به حاضران، یک دقیق سکوت به یاد شهدای جنبش 21 آذر و دیگر شهدای راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی اعلام کرد.

سپس صمد بابرامزاده از شعبه شرق شناسی آکادمی علوم آذربایجان در مورد شکل گیری و اهداف فرقه دمکرات آذربایجان و دولت ملی آذربایجان به رهبری پیشه وری سخنانی ایراد کرد. وی حکومت خودمختار آذربایجان را، حکومت ملی و فراگیر دانست و از نقش اقشار و طبقات جامعه در انتشار بیانیه دوازده شهریور 1324 یاد کرد.

سخنرانی بعدی رفیق عادل چرنیک بلند از کادر رهبری فرقه دمکرات آذربایجان و از یاران پیشه وری بود. رفیق عادل با اشاره به شور و حال جوانان آذربایجانی و فعالیت شبانه روزی آنها در راه سازندگی شهر و وروستا، اضافه کرد: بی انصافی است که از نقش رفقای حزب توده ایران در آموزش، تعلیم و تلاش برای موفقیت حکومت ملی یاد نکنیم. این رفقا تا

## پیشه وری از زبان و قلم خودش



های روزنامه‌ی حقیقت به استثناء چند مقاله از قلم من تراوش کرده است. در دوره‌ی رضاخان چهار بار مرکز ما را به واسطه‌ی بازداشت و توقیف منحل کردند. ولی ما که خود را سربازان راه آزادی می‌دانستیم پست خود را ترک نکرده، پنجمین مرکز را تشکیل دادیم. فعالیت مطبوعاتی خود را به اروپا منتقل کرده روزنامه و مجلات خود را توانستیم از دیوار چینی که پلیس رضاخان دور ایران کشیده بود به ایران برسانم.

بالاخره در سال ۱۳۰۹ بازداشت شدیم... هشت سال تمام در قصر به غیر از ما زندانی سیاسی نبود. هدف ماشین آدم‌گشی رضاخان با آن طنطنه و دبدبه‌هایش فقط و فقط ما چند نفر بودیم. می‌خواستند ما را به مرگ تدریجی معدوم کنند. بهترین رفقای خود را از دست دادیم. خودمان از حیث جسمانی از پا درآمدیم ولی روحمان قوی بود. نبرد را هم چنان ادامه دادیم. بالاخره بعد از هشت سال پنجاه و سه نفر را نزد ما آوردند. اینها همه تحصیل کرده و کتاب‌خوانه بودند ولی تجربه‌ی ما را نداشتند. در نبرد و مبارزه‌ی سیاسی پخته و ورزیده نبودند. با پیدایش این‌ها برای ما میدان جدیدی باز شد. تجربیات خود را در اختیار آنها گذاشتیم... جوانان ما را سرمشق خود قرار داده، نیروی معنوی گرفتند و شهادت و فداکاری‌ها نشان دادند... در سال ۱۳۱۹ پس از ده سال زندان به کاشان تبعید کردند. سپس ما را با بیست و دو نفر دیگر به زندان فرستادند. فقط بیست روز بعد از قضیه شهرپور توانستیم راهی یافته خود را به تهران برسانم و اینک نه ماه است که آژیر را منتشر می‌کنم.

اگر حزب توده ایران و رفقای آزادی‌خواه آذربایجان بتوانند تصمیم کمیته مرکزی حزب توده ایران را عملی کرده مرا به مجلس بفرستند، من در خود آنقدر صمیمیت و ایمان سراغ دارم که بتوانم

آذر ماه مصادف است با هفتاد و سومین سالروز تاسیس حکومت ملی آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشه‌وری. تا بحال در مورد شخصیت و کاراکتر رهبر جنبش ۲۱ آذر و نخست وزیر دولت خودمختار آذربایجان؛ دهها کتاب و صدها مقاله نوشته شده است. اما هیچ نوشته‌ای رساتر در شناخت و شناسایی این مرد بزرگ جنبش انقلابی ایران، از آنچه خود نوشته است به نظر نمی‌رسد.

سید جعفر پیشه‌وری در شماره‌ی ۹۱ روزنامه‌ی آژیر هم زمان با نامزدي نمایندگی مجلس شورای دوره‌ی چهاردهم توسط حزب توده ایران، به تقاضای هیئت تحریریه، با منتهای فروتنی درباره‌ی خود مینویسد:

از نقطه نظر زندگانی خصوصی سرگذشت من طنطنه و تشعشی ندارد، در زاویه سادات خلخال در سنه‌ی ۱۲۷۲ متولد شدم. در اثر حوادث و زدوخوردها در سن ۱۲ سالگی با خانواده‌ی خود به قفقاز مهاجرت کردم و از آن تاریخ در تلاش معاش قدم گذاشتم. در مدرسه‌ای که تحصیل می‌کردم وارد کار شدم. آنجا مانند یک مستخدم ساده خدمت کردم. پس از خاتمه‌ی مدرسه در همانجا به معلمی پرداختم. پس از انقلاب اکبر، اقیانوس نهضت اجتماعی مرا هم مانند سایر جوانان معاصر از جای تکان داده، و در میدان کاربزرگ و پرافتخار علاوه بر مبارزه آزادی‌خواهی یک نظر ملی هم مرا تحریک میکرد. من می‌دانستم که نجات و سعادت ملی و میهن من در پیشرفت رژیمي است که انقلابیون روسیه می‌خواهند. و اگر غیر از لوی پر افتخار لنین بیرق دیگری در روسیه در اهتزاز باشد استقلال و آزادی ملت ایران همیشه در معرض خطر خواهد بود... نهضت جنگل مرا هم مانند همه‌ی آزادی‌خواهان ایرانی جلب نمود... به اتفاق دوستان صمیمی خود که اغلب توی حزب توده ایران هم هستند در ده، شهر، در زیر توپ پیش می‌رفتیم. کار می‌کردیم، نبرد می‌نمودیم. غذای روحی ما ایمان و عقیده بود... وقتی در ردیف آزادی‌خواهان بزرگ بودم و برای اجرای وظیفه‌ی سنگین و مسئولیت‌دار اجتماعی انتخاب می‌شدم، هرگز خود را بزرگ نمی‌دانستم و در نظر خود همان آدم ساده و بی‌غرضی بودم که دستمال در دست گرفته شیشه‌های مدرسه را پاک می‌کرد... حال هم که پنجاه سال از عمر می‌گذرد و سی سال از آن را در مبارزه سیاسی و در زندان‌ها به سر برده‌ام، خود را همان مستخدم زحمتکشی که در مدرسه خدمت می‌کردم می‌دانم و برای همان طبقه چیزی می‌نویسم... در جریان جنگل بنا به تصمیم ملیون گیلان به تهران آمدم و در آنجا سازمان سیاسی و شورای مرکزی کارگران را تشکیل دادم و ارگان آن روزنامه‌ی حقیقت را منتشر کردم... تمام سرمقاله

کسب احترام نمود و آنان را با افکار انقلابی هماهنگ ساخت. مجدداً در سال ۱۳۱۹ به زندان افتاد... پس از سقوط رضا شاه (بخوان فرار مذلت بار) از زندان آزاد شد و حزب توده ایران را در زنجانی ریزی نمود. در اواخر سال ۱۳۲۲ متوجه ارومیه شد و تلاش اصلی وی نفوذ در داخل تیپ ارومیه بود و در این راه تا حدودی موفق گردید... پس از ۲۱ آذر ۱۳۲۴ به عنوان نماینده ی مجلس مشغول کار شد. در سال ۱۳۲۵ بر اثر هجوم ارتش و شکست قوای نظامی حکومت ملی، آزاد وطن با جمعی از سران فرقه دمکرات آذربایجان دستگیر گردید... آزاد وطن در اسارت تسلیم نشد و در پاسخ دعوت به سازش و تسلیم می گفت درخت چنار خم می شود ولی نمی شکند. آزاد وطن را همراه رهبران انقلابی فرقه دمکرات در چوخور باغچه اعدام کردند، اما تسلیم نشد... ۱

-\* در سال ۱۳۷۳ انتشارات شیرازه کتاب با ارزشی به نام «آخرین سنگر آزادی» منتشر کرد. این کتاب نتیجه ی بررسی و تحقیق آقای رئیس نیا محقق تاریخ معاصر ایران است. که زندگی سیاسی پیشه وری به طور خلاصه و گذرا بررسی شده است. اما موضوع اصلی کتاب جمع آوری مجموعه مقالات پیشه وری در سالهای ۱۳۰۰ الی ۱۳۰۱ است که در روزنامه ی حقیقت ارگان عمومی کارگران منتشر شده است.

۱- مطالب مورد بحث جنبش آذربایجان در منطقه ارومیه، نقل به تلخیص از ص ۳۶۶ و ص ۳۶۷ کتاب تاریخ ارومیه تألیف احمدکویان پور، نشر آذرکهن، چاپ دوم ۱۳۷۸

سرهنگ کاویان کرده پور به درستی علل ایجاد نهضت آذربایجان را بررسی کرده است و فقر و فاقه شدیدی توده مردم و بهره کشی و استثمار و سیستم ارباب - رعیتی و رشوه خواری و تعدیات مأمورین ژاندارمری و خان ها و مالکین عمده را از علل عمده ی جنبش برشمرده است اما برای محفوظ ماندن از گزند و تعقیب مقامات ارتش به قول علما «تقیه» خیلی کرده است و همین تقیه و ترس سرهنگ کاویان پور را به تناقض گویی وادار کرده است و ارزش کتاب را تا حد قابل توجهی پایین آورده است که این گونه ضایعه و فاجعه هم نتیجه ی حاکمیت استبدادی و سانسور ریشه داری است که بر این مرزوبوم ریشه دوانده است.

شهرت بلند آذربایجان را لکه دار نکنم... ما مجلس را هدف و مقصد اساسی نمی دانیم و برای رفقای خود آن را بک مقامی تصور نمی کنیم. بدین واسطه ما فقط مبرزترین سربازان خود را در سنگر جلوتر می بینیم و برای رسیدن به آرمان اساسی خود که ایجاد یک ایران آزاد دمکرات ملی است راه باز می کنیم و برای از بین بردن و برانداختن بنیان ظلم و اسارت و بردگی توده ی ایران وسیله پیدا می کنیم\*

سرهنگ بازنشسته احمد کاویان پور، در کتاب تاریخ ارومیه مطالب تأثر آوری از عمق فقر و فاقه ی مردم ارومیه بیان می کند و در مورد جنبش دموکراتیک آذربایجان با آنکه از نوشته ی شاه پرستان مداح، مانند محمد دیهیم و نجف قلی پسیان استفاده کرده است، اما آنچه خود به چشم دیده است دارای اهمیت و ارزش تاریخی است و آنچه از چنان نویسندگانی نقل قول کرده است، ارزش و اعتبار تاریخی ندارد.

سرهنگ کاویان می پور نویسد :

در این سال ۱۳۲۳ حزب توده ایران در ارومیه به سرپرستی محمدامین آزاد وطن دایر گردید... و فعالیت خود را آغاز نمودند. مهمترین شعارشان این بود. کار برای همه - مسکن برای همه - بهداشت برای همه، محمدامین آزاد وطن در محال نازلوچای ارومیه چشم به جهان گشود، تحصیلات ابتدایی را در شهر آغاز نمود. به علت فق اقتصادی ترک تحصیل نمود و به صفوف نا رضیان می پیوندد. آزاد وطن مخالفت خود را از سیاست های رضا شاه در بین اهالی افشا نموده و دهقانان را به مبارزه بر علیه بی عدالتی دعوت می نماید. از طرف اداره آگاهی ارویه احضار و در سال ۱۳۱۲ مدتی زندانی می شود و سپس برای همیشه به شهر زنجان تبعیت می گردد. شهربانی زنجان برای جلوگیری از فعالیت وی او را بعنوان سرپرست کارگران رفتگر شهرداری به کار و می دارد. آزاد وطن بر اثر مطالعات شخصی و در نتیجه تجربیات مشقت بار زندگی، مبارز سرسخت و ضد رژیم پهلوی شده بود و برای متحد ساختن دهقانان بی وقفه تلاش می کرد... می گفت اگر ما کارگران و کشاورزان نیروی خود را جمع کنیم و با هم متحد شویم هر گونه مانعی را که انگل جامعه است از میان بر می داریم - هشت سال در شهر زنجان در تبعیت ماند و در این مدت در بین کارگران

**فرقه دموکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می دهد.**

## گوشه هایی از تاریخ معاصر ایران

## رسول مهربان

## جنبش دموکراتیک آذربایجان و دولت انقلابی پیشه وری / بخش دهم

## 7- خدمت پیشه وری به جنبش توده ای آذربایجان و ساختمان آذربایجان نو و مترقی

9- در تمام استان 8 ساعت کار و یک روز تعطیل در هفته را در تمام کارگاهها و ها کارخانه ها تعمیم داد.\*\*

10- انجمن هنرمندان و هنرپیشگان ایجاد شد و تاثیر ملی احیا گردید که نمایش آن مورد استقبال شدید مردم واقع شد.

11- دهها دبستان و دبیرستان (325 دبستان و 83 دبیرستان) جدید دایر کرد. ساختمان دبیرستان بزرگ منصور در تبریز در زمان پیشه وری ساخته شد.

12- در دبستانها و دوره ی ابتدایی زبان مادری را برقرار کرد و برای تدریس آنها کتاب به زبان آذربایجانی چاپ کرد. زبان فارسی به عنوان زبان دوم در آنها تدریس شد

13- در اثر جلوگیری از احتکار موادغذایی و بازار سیاه، مواد ضروری مردم به قیمت ارزان یعنی به قیمت نصف آن در تهران فروخته شد.

14- با ایجاد ارتش چریکی خلقی امنیت کامل در سطح استان برقرار گردید.

اینها قسمتی از کارهای پیشه وری برای مردم آذربایجان در مدت یک سال بود. آیا بیگانه و بیگانه پرست در مدت یک سال این همه کار به نفع مردم زحمتکش انجام می دهد؟ 1

آنچه که این نویسنده از مشاهده خود می نویسد، نویسندگان دیگری نیز نوشته اند. ویلیام داگلاس قاضی عالی مقام آمریکایی در کتاب «سرزمین عجیب با مردمی مهربان»، اصلاحات انجام یافته در آذربایجان را چنین شرح دهد:

1- تقسیم اراضی و املاک مالکین فراری و تصویب قانونی جهت تقسیم محصول زمین به نفع دهقانان.

2- از بین بردن رشوه. پیشه وری رشوه دادن به مأمورین دولت را خیانت به حقوق عمومی اعلام کرد و به مرتکبین مجازات سختی قائل شد. این قانون اثر برق آسایی داشت و بازرگانان به من می گفتند اگر شبها مغازه هایشان باز می ماند، اموالشان تامین داشت و چیزی به سرقت نمی رفت. اهالی اظهار می داشتند که برای اولین بار با اطمینان می توانستند شب یا روز ماشین هایشان را در کنار خیابان یا پس کوچه بگذارند. بدون اینکه کسی جرئت دزدیدن چرخ، چراغ و آئینه یا سایر اثاث آن را داشته باشد، حتی اگر در ماشین باز می ماند. 3- قیمت اجناس مورد نیاز عموم به طور جدی کنترل می شد و احتکارکنندگان سخت مجازات می شدند و قیمت کالاهای مورد نیاز عموم 40 درصد پایین آمده بود.

برخلاف خاطرات دروغین سیاسی خلیل ملکی، رهبران نهضت آذربایجان علاوه بر آن که در اوج روحیه ی ایران دوستی و عشق به توده ی محروم ایرانی بودند، هرگز در محدوده ی فریبنده ی لفاظی های وطن پرستانه کاذب، به عوام فریبی نمانستند. بلکه این هدف و ایده آل خود را در یک سلسله اصلاحات و تغییرات بنیادی به سود خلق تبلور و تجلی دادند و مفهوم عالی و انسانی از استقلال و ملیت را جلوه گرا ساختند. آنها عشق به میهن را از طریق خدمتگزاری به توده ی مردم و دهقان زحمتکش آذربایجانی و ساکنین شهرهایی که بیش از هر چیز به خرابه های شبیه بود، با کار و کوشش و تلاش شبانه روزی، ابراز داشتند. و چنین بود که در مدت کمتر از یک سال در طول عمر کوتاه هیئت ملی آذربایجان و انجمن ایالتی و ولایتی خلق آذربایجان، توانستند به حد اعجاز و باورنکردنی و خارق العاده به ملت محروم آذربایجان خدمت کنند و علاوه بر بارور کردن نهال آزادی و دموکراسی خلقی در سراسر ایران و ایجاد شوروشوق و آگاهی اجتماعی و سیاسی و سندیکا یی در توده ی مردم آذربایجان خدماتی به ملت محروم و ستمدیده ی آذربایجان عرضه کنند. به نوشته ی «کتاب ضررهای نفاق در جنبش های ملی ایران» که نویسنده ی آن خود شاهد این خدمت بوده است، پیشه وری و هم زمانش توانستند در ظرف یک سال کارهای زیر را انجام دهند:

- 1- رادیوی آذربایجان ایجاد شد که بعدها نیز به کار خود ادامه داد.
- 2- در تبریز دانشگاهی به نام دانشگاه آذربایجان ایجاد کرد. ساختمان آن ابتدا در شهر بود که در همان سال ساختمان جدید آن در محل فعلی برپا شد.
- 3- اغلب خیابان های تبریز با کار شبانه روزی آسفالت شده و راه های جدیدی احداث گردید.
- 4- در تبریز لوله کشی آب آغاز شد و تبریز قبل از تهران دارای آب لوله کشی شد.
- 5- بهره مالکانه را کاهش داد، از غارت قرون وسطایی دهقانان جلوگیری کرد.
- 6- انجمن های انتخابی در دهات به وجود آورد که از 3 تا 5 نفر نماینده داشتند. این انجمن ها قروض دهقانان را چنان قسط بندی کردند که از عهده پرداخت آنها برآیند\*.
- 7- اصلاحات ارضی را در آذربایجان عملی کرده که قریب 250 هزار خانوار دهقانی صاحب زمین شدند.
- 8- کارخانه پارچه بافی بزرگ به نام ظفر ساخت.



سواران ارتش شاهنشاهی، به تبریز وارد شد، آن چنان قتل عامی از کشاورزان راه انداخت که دسته دسته مردم محروم و ستمدیده آذربایجان به تهران و شهرهای مرکزی ایران پناهنده شدند. آنها در تهران به سختی و مشقت روزگار گذراندند و با دست فروشی و کارهای سخت و شاق از قبیل آب حوض کشی و تخلیه چاه امرارمعاش می کردند و گروهی نیز به رسم «عاشیق» های تبریز نمایشاتی در تهران می دادند. «اما فراموش نمی کنم در سال 1326 که ساعد مراغه ای آن فراماسونر نوکر صفت نخست وزیر ایران بود، هنرمندان آذربایجان که از تبریز رانده شده بودند، در تهران نمایشاتی به زبان آذربایجان می دادند. شهربانی وقت از نمایش آنها به علت اینکه به زبان بیگانه است جلوگیری می کند. آنان به نخست وزیر مراجعه می کنند. ساعد با اینکه خود آذربایجانی بود، ولی به اندازه ای سرسپرده ی درگاه استعمار و شاه شده بود که با زیر پا گذاشتن ملیت خود به آنان جواب داده بود. نمایش به زبان بیگانه قذغن است». 5 فرار خلق محروم و ستمدیده آذربایجانی از شر مأمورین ستمگر دولت شاه معدوم به طور دسته جمعی انجام می گرفت، و این فرار و سرگردانی تا سال 1328 نیز ادامه داشت و به نوشته ی روزنامه ی باختر امروز؛ «تا امروز 500 از اهالی آذربایجان به تهران آمد بودند، به وسیله افراد خیر و تجار آذربایجانی جمع آوری و به شیرخورشید به تبریز اعزام شدند». 6 مصائب خلق آذربایجان بعد از یورش ارتجاع و فنودالیسم آن چنان سنگین و دردناک و ابعاد فاجعه ی آن چنان کشنده و زیان بار بود که دولت زیر فشار افکار عمومی به تنظیم لایحه ی عفو عمومی درباره ی اهالی آذربایجان، دست زد که حتی این لایحه هم جز از یاد مصیبت و بازگذارن دست مأمورین و جاسوس های رکن دو و شهربانی علیه خلق آذربایجان نتیجه ای نداشت.

\*- فقط طلب خرده مالکین و صاحبان اراضی و مستغلاتی که در آذربایجان باقی مانده و در تهران به اردوی دشمن نپیوسته بودند، قابل پرداخت.

-\*\* در حالی که در آن ایام تهران و سایر مناطق کارگری فاقد قانون کار بود و مبارزه برای حداقل کار ادامه داشت.

- 1- ضررهای نفاق در جنبش های ملی، غ. ب. داداش زاده، ص 98 و 99
- 2- گذشته چراغ راه آینده است. ص 333
- 3- روزنامه باختر امروز، شماره 25 شنبه 5 شهریور 1328، جریان اخبار روز
- 4- خاطرات روزانه محمد ناصر صولت قشقایی، کتاب سالهای بحرانی، انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ سوم 1371 ص 80 و 81
- 5- ضررهای نفاق در جنبش های ملی ایران، داداش زاده ص 98
- 6- باختر امروز، 26 آذر 1328

4- کلنیک های بهداشتی سیاری تأسیس شده بود که از تبریز به دهات اطراف می رفت.

5- قانون حداقل بیکاری و حداکثر ساعت کار تصویب و بین کارفرمایان و کارگران قراردادهای جمعی بسته شد.

6- برنامه عمومی کار اجرا و قسمت اعظم خیابان ها و کوچه ها اسفالت و سنگفرش شد.

7- برنامه ی تعلیمات عمومی اجرا و در دهات مدارس باز شد و دانشگاه تبریز با دو دانشکده ی طب و ادبیات تأسیس گردید. 2

این همه دست آوردهای خلق آذربایجان در یورش وحشیانه ی ارتجاع و امپریالیسم نابود شد. روزنامه ها حتی در سال های 28 و 29 خبر از قحطی و گرسنگی در تبریز دادند و نوشتند: «در تبریز به علت بدی و کمی نان بازار بسته شد و بر اثر زد و خورد چند نفر زخمی و یک نانوا به قتل رسید. خبری که امروز از تبریز برای ما رسیده است، حاکی است وضع نان شهر به جای بن رسیده، زیرا چند روز بود که اصلاح نان به عده ای از معتمدین محلی واگذار شده بود. در شهرداری در پاسخ به مراجعین می گویند این اداره عهده دار امور نان تبریز نیست و به فرمانداری نظامی ارتباط دارد و بالاخره مردم پس از سرگردانی و بلاتکلیفی، ناچار روز سوم شهریور، بازار را بسته در استانداری و شهربانی و تلگرافخانه متحصن شدند». 3 در کتاب «سالهای بحرانی» که خاطرات روزانه ی محمدناصر صولت قشقایی است و در سال 1371 منتشر شده است، ناصر قشقایی می نویسد: مستردوگلاس قاضی معروف آمریکایی مهمان من بود و روز چهارشنبه پانزدهم شهریور ماه 1329 پس از مقداری گردش، صحبت متفرقه شد. مستر دوگلاس در ضمن صحبت اظهار داشت، یک روز مهمان والاحضرت اشرف بودم شاه هم تشریف داشتند. در چمن می خواستیم ناهار بخوریم. قبلا من اظهار داشتم وضع آذربایجان بد است و اهالی گرسنه هستند. خواهر شاه مقداری از چمن کند و علف سبز را به هوا پرت کرد، گفت از این بخورند در این موقع خبر دادند که ناهار حاضر است. دیدم ناهار مفصلی است گفتم، این مال چندین نفر است ممکن است از زیادی این غذا که هر روز مصرف می شود چندین نفر را غذا داد. از این حرف من، این زن بی حیا عصبانی شد یک ران بره را کند و پرت کرد جلوی سگش. من هم دیگر چیزی نگفتم و غذا را به هر ترتیبی بود تمام کردم و رفتم.

ناصر قشقایی در ادامه ی این خاطره می نویسد:

ویلیام دوگلاس از وضع تبریز زیاد شکایت داشت و می گفت صدمی نودوپنج مردم مایلند پیشه وری برگردد و از مأمورین (دولت) نا راضی هستند. 4

ارتجاع خشن و بی رحم فنودالیسم که در پناه سر نیزه و توپ و تانگ و

### ۱- لاهرودی خصوص سازی عدول از اهداف انقلاب است



تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است.

«بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ. آب رسانی، رادیو تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمائی و کشتی رانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.»

این ماده از قانون اساسی هدف اصلی انقلاب را بشکل دقیق و حساب شده تعیین میکند. باید گفت مردم برای رسیدن به این هدف، در این انقلاب ۶۰ هزار شهید و صد هزار زخمی و معلول به جای گذاشتند. اما دولتی که سوار بر امواج انقلاب به قدرت رسید، نگذاشت خون شهیدان خشک شود از هدف اصلی انقلاب عدول کرد. رقبای سیاسی خود را از صحنه طرد نمود در راستای تأمین منافع نوکیسه گانی قرار گرفت که ۱۰٪ اهالی را تشکیل می دهد. این حکومت اصل ۴۴ قانون اساسی را با حکم حکومتی ملغا نمود. اموال مردم را که با عرق جبین مردم و پول مالیات دهندگان بوجود آمده بود، تحت عنوان پرطمطراق « واگذاری کار مردم به مردم»، (خصوصی سازی) در بازار مکاره در اختیار نوکیسه گان تازه بدوران رسیده گذاشت. کاری که رفسنجانی آغاز کرد، خاتمی و احمدی نژاد آنرا ادامه داده و میدهند.

ویژگی انقلاب ۱۳۵۷ ایران با مردمی بودن آن ارتباط پیدا می کند. زیرا نیروی محرکه آن را خود مردم تشکیل میدادند. اکثریت مطلق شرکت کننده در انقلاب عضو این و یا آن حزب سیاسی و یا سازمان اجتماعی نبودند. هیچ یک از ایدئولوژی رسمی و غیر رسمی موجود در جهان انقلابیون ایران را راهنمایی نمیکردند. میلیونها مرد و زن به کوچه و خیابان آمدند تا استبداد و رژیم استبدادی نابود شود و حکومت مردمی با شعار آزادی، دموکراسی سرکار آید. عدالت در جامعه برقرار گردد. فقر از میان برود. سروری گروه کوچک بر میلیونها توده مردم مطرود شود. زمین به صاحبان اصلی آن بر گردانده شود. کارخانه از آن کسانی باشد که ماشین آنرا به حرکت می آورند. حق انسانی تک تک مردم اعم از مرد و زن تأمین گردد. تبعیض میان زن و مرد، تبعیض میان اقوام و ملل از میان برداشته شود، اصل برابری و برداری برقرار گردد. همه ادیان آسمانی از جمله دین اسلام روی همین مسئله، یعنی آزادی سیاسی و برابری اقتصاد تاکید دارند.

هر تحولی در این راستا خواه از طریق اعمال قهر و یا بشکل مسالمت آمیز تحولی است انقلابی، انقلابی که نظم موجود را بهم میزند و نظم جدیدی در جامعه برقرار می کند. در چنین انقلابی شخصیت ها جا عوض نمی کنند. نظام اجتماعی منسوخ جای خود را به نظامی میدهد که ۹۰٪ منافع اهالی تأمین می گردد. تأمین منافع قبل از هر چیز اقدام عملی را در بر میگیرد که جامعه را بسوی زندگی بهتر هدایت میکند و کشور در راستای رفاه عمومی قرار میگیرد. آزادی های سیاسی نیز با بالا رفتن رفاه عمومی ارتباط ناگسستنی دارد.

انقلاب ۱۳۵۷ چنین هدفی را دنبال میکرد و در این سمت و سو حرکت می کرد. همه پرسسی ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ با رای ۲۰ میلیونی چنین راه انقلابی را مورد تأیید قرار داد. اصل ۴۴ قانون اساسی نیز حکمی بود در این راستا. در این اصل گفته می شود:

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه بخش دولتی،

مالکیت دولت را بر مؤسسات غیر منقول ملی شده (مصادره شده) گسترش دادند. در عمل بقول احمدی نژاد دایره فعالیت سرمایه داران دزد را محدود تر نمودند. بعبارت دیگر سیاست ضد سرمایه داری انقلاب جامعه عمل پوشید و ایران عملاً راه رشد غیر سرمایه داری را برگزید. اما دولت رفسنجانی زیر تأثیر امواج نئولیبرالیسم صندوق بین المللی پول، راه خصوص سازی را در پیش گرفت. مالکیت دولتی را با فروش شرکت های دولتی به سرمایه داران دزد، به رشد اقتصادی و از این طریق به زندگی مردم ضربه مهلکی وارد کرد.

جالب این است، اکنون که با بحران سراسری مالی و اقتصادی در جهان بویژه در آمریکای نئولیبرال زندگی مردم مختل شده، بانک ها و کارخانه ها بشکل گسترده با ورشکستگی روبرو گردیده و میگردند. با این حال دولت احمدی نژاد با پیگیری بی سابقه، خصوص سازی را گسترش میدهد و در نتیجه صدها کارگر از اشتغال محروم میشوند، بیکاری گسترده تر میگردد و وضع اقتصادی تحت تأثیر بحران سرمایه داری بدتر میشود، بودجه دولت با کسری هنگفت مواجه میگردد. همه این بدبختی با عدول از راه انقلاب و بازگشت به نظام سرمایه داری منحنی ارتباط ناگسستگی دارد. گرفته شده از روزنامه آذربایجان شماره 55 فروردین ۱۳۸۸

جالب است که احمدی نژاد در ظاهر با خصوص سازی مخالفت می کند. بازار آزاد و نظام سرمایه داری را دروغ بزرگ قلمداد می کند که به نظر وی به نفع دزدما است.

«این دزدما در چهار سال ریاست جمهوری وی بنا به اعتراف سایت جمهوریت «منابع ملی باید از چپته دولت آزاد و در اختیار مردم قرار گیرد...» در نظام اجرائی کشور سپردن کار مردم به مردم خصوص سازی تفسیر میشود. خصوص سازی نیز مفهومی جز فروش اموال دولتی نیست و در عرصه های مختلف برای تحرک مردم نه تنها باز نشد، بلکه هر روز بیش از روز دیگر فضا را به روی مردم تنگتر کردند.» (این بخشی از نظرات ریکارانه احمدی نژاد است که در روز ۲۴ خرداد سال ۱۳۸۴ منتشر شد.) سه سال بعد در مقاله ای در سایت اخبار (۳ شهریور ۱۳۸۷) تحت عنوان «ایران رکورددار خصوص سازی در جهان» گفته میشود، «یک سوم دارایی های کشور از ۸۴.... واگذار شده است که نشان میدهد ایران در سال گذشته بالاترین حجم واگذاری را در بین کشورها داشته است.»

حال این سؤال در برابر هر فرد واقع بین مطرح میشود: چه شد که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب رهبران تازه به قدرت رسیده اموال منقول و غیر منقول سرمایه داران بزرگ از جمله اموال در بار پهلوی را ملی کردند و در قانون اساسی

### «مهاجر لر»

برتولت برشت - چنورین: احد واحدی

#### مهاجر لر

هر زمان،  
بیزلره قویولان بو آدی  
معناسیز گورورم:  
«مهاجر...»  
بو او دنمکدیر کی،  
بیز بیر اولکهن  
باشقا بیر اولکهمه کؤچموشوک؛  
بیر حالداکی مگر  
کوچدوگوموز بیر اولکهنی آزادلیقلا  
سئچمیشیک؟!...  
بیز باشقا مملکتنه گنتمه میشیک  
عومور بویو اوردا قالماق اوچون!  
بیز قاجمیشیق بوگون،  
داها دوغروسو، بلکه  
قولوشوق، سورگون اولموشوق.  
اونوچون بیزه  
نه اینکی وطن!

سورگون اولکه آدلانمالی  
بیزلری ساخلایان اولکه!  
باخین!  
بنله نگران - راحتسیز اوتوروروق بیز،  
امکان قدر سرحدیمیزه یاخین؛  
و گوزله بیریک وطنه گنری دؤنن  
گونوموزو  
هر کیچیک دگیشیگ،  
سرحدین هر یانیندا گورونور بیزه،  
و یولدان ینتیش هر کیمدن  
حرار تلی و جدی  
سوروشوروق هر نه بی.  
بیر شئی اونودولمور؛  
باغیشلامیریق دا هئچ نه بی!  
تسلیم سوزو بیگانه دیر بیزه.  
بیرده ساعتارلارین سوکوتی  
چاشدیرمیر بیزی؛

بیز باغیرتی لارین سسینی  
انشیدیریک دوشرگملرینیزدن بورایا  
قدر.  
بیز اوزوموز مگر  
سیزین جنایتلرینیزین سس - سمیری  
کیمی  
گنچمهدیک سرحدین بو اوزونه؟  
بیزیم هر بیریمیز،  
بیر شاهد کیمی  
دلینمیش باشماقاریمیز لا  
جمعیتین اورتاسیدان گنچمرک  
گوستریر اولکهمیزی  
میردار لایان رسوالیقارینیزی!  
اما بیزلردن کیمسه،  
بوردا قالمایاجاق؛  
سون سوز هله  
دیله کلمه میش، دنیلیمه میشدیر!  
۱۹۳۷ دانمارک

## آرخیودن تانیلان ” ۲۱ آذر“ مدالی



تارینل اومید

## ایرانی مهاجر لر جمعیتی ادبی بیرلییین صدری

میرقاسیم چشم آذر تبریز فدائی دسته لرین کومندانتی ایدی. (۱۰۱۲۱۹۴۵-۱۹۴۶ جی ایللر). هم ده س.ج. پیشه ورینن کؤمکچیس، رادیو کومپته سینین صدری ایدی. یقین کی، بو. ایگیدلیگی نظره آیلار بو تاپا مهاجرت انتدیکدن سونرا میرقاسیم چشم آذر ایله اوزون مدت عائله وی دوستلوق انتدیک. زینب خانیم آتاسین خاطره لریندن دانیشیردی: فدائی دسته لری گنجه ده و شمکیرده تعلیملر کنچر دیلر. گنری قاییتماق اوچون س.ج. پیشه وری نامعلوم ماشین قضا سینا سالیناندان سونرا عائله میز شمکیرده، سونرا ایسه باکیدا مسکونلاشیب. آتامین عائله سی بویوک اولدوغوندا اونا کمک مقصدیله آذربایجان حکومتی بیر اوشاغینی موسکویا ایوانوف شهرینه بین الخلق اینترنات مکتبینه گؤندریلر. او دا منیم بختیمه دوشوب. اورتا تحصیلی روس دیلینده آلمیشام. تحصیلی باشا ووراندان سونرا باکیا دولت اونورسیتیتنه فیلولوگیا فاکولته سینه قبول اولموشام. اونورسیتیتی بیتمیشم. 1992- جی ایلین مای آییندا بیزه نصیب اولونوب کی، وطنه گنجدیب آتامین دوغما اوچاغینی گؤرک. قونشولار لا گؤرشدوک. آتاما بو گون قسمت اولماسا دا اوز حییتیندن تورپاق دا گتیردیک. بیلجه ریده دفن اولونموش قیرینین اوزتونه سپدیک. چتین و کشمه- کشلی بیر حیات یاشاساق دا بو گون آرخیودن تاپدیغیم ” ۲۱ آذر“ مدالی بیزیم و بوتون فدائی عائله لری نین فخر انتدیگی بیر مدالدير. اونا قورویوب ساخلا یاجاییق. خلقیمین گلجهک گونلری اوچون.

حیات یولداسیم زینب موسی زاده جبار قیزی، الیازمالاریمی، کتاب آرخیویمی آراشیدیرارکن نچه ایللردی آختاردیغیم مدالی تاپیر. آرخیودن تانیلان نچه ایللرین حسرتیندن سارالمیش، سولموش ” ۲۱ آذر“ مدالی و وثیقه سی. وثیقه آجیب سولوموش یازیلاری اوخویوروق.



جبار موسی اوغلو موسی زاده ۱۹۴۵- جی ایل تاریخده وئرلیب. ”آذربایجان ملی حکومتینی اله گتیرمکده شرکت ائتمه سینه گؤره آذربایجان مجلسی، آذربایجان مجلسی ملی طرفیندن ” ۲۱ آذر“ مدالی ایله طلیف اولونوب. آذربایجان مجلس ملیسینین رئیسی شیبستری. آذربایجان مجلسی ملیسینین کاتبی م. ویلایی. آرخیودن تاپیلان بو دمیر مدالین رنگینی ایللر دییشیب. آنجاق بو مدالا اولان محبت هنج وخت دییشمه ییب. وطنین، آذربایجانین آزادلیغی اوغروندا دوغما ائل، اوباسیدان اوزاق دوشسه ده، جبار موسی زاده هنج وخت سارسیلما ییب. زینب خانیم دانیشیردی: موسی زاده آنخانیم ۴ اوشاقلا (بیر نچه آیدان سونرا) آتامین آرخاسینجا گلیب. فدائی دسته لری گنجه ده و شمکیرده یئرلشدیگیندن اونا گنجه ده تاپیب. سونرا عائله میزی شمکیرده (شمکیر) تزه کنده یئرلشدیریلر. آتامین خاطره لریندن جنوبی آذربایجاندا ملی حکومت قورولاندا من فدائی ایدیم. (یعنی ساحلی عسگر) بیر بیغینجا قدا مرتجع قوه لردن اولان بیر نفرین میرقاسیم چشم آذری وورماق ایستدیگینی گؤردوم. او آتش آچمازدان قاباق من اونا ووردوم.